

## مقاله پژوهشی: نقش عوامل ذهنی و عینی در بین‌المللی شدن تروریسم تکفیری

[20.1001.1.33292538.1400.11.40.3.9](https://doi.org/10.1001.1.33292538.1400.11.40.3.9)

محمد میرعبدلی<sup>۱</sup>، رضا خراسانی<sup>۲</sup>، داود غرایاق‌زندی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۷

### چکیده

امروزه جهان درگیر معضلی به نام تروریسم شده است که مرکز ثقل خود را به‌طور عمده در منطقه خاورمیانه قرار داده و با تلفیق اقدامات خود با مباحث دینی، نوعی از تروریسم مذهبی را تحت عنوان تروریسم تکفیری ایجاد نموده است که حوزه فعالیت و اقدامات آن تنها به منطقه خاورمیانه محدود نمانده و با استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای گوناگون تلاش کرده است اهداف خود را از سطوح محلی، ملی و منطقه‌ای به حوزه جهانی تسری داده و نظم و امنیت بین‌الملل را تحت تأثیر قرار دهد؛ بنابراین با توجه به فرامرزی شدن خطرات و تهدیدات تروریسم تکفیری، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که چه عواملی موجب سیالیت و گسترش فعالیت‌های سلفیان تکفیری از سطوح ملی به سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی شده است؟ فرضیه پژوهش بر آن است که بخشی از بین‌المللی شدن اقدامات تروریسم تکفیری جنبه دینی و ایدئولوژیک (درونی) دارد؛ ازجمله مفاهیم اسلامی مانند جهاد، خلافت، جاهلیت و هجرت و بخش دیگری از آن ناشی از عوامل محیطی و بین‌المللی (بیرونی) همچون جهانی شدن، پست‌مدرنیسم، اقدامات خصمانه کشورهای غیرمسلمان و وجود دولت‌های ضعیف است. یافته‌های پژوهش ضمن تأیید فرضیه فوق بیانگر این مطلب است که در بررسی گروه‌های تکفیری به‌ویژه مبحث بین‌المللی شدن آن‌ها می‌بایست از نگاه‌های تک‌بعدی حذر داشت و با نگاهی جامع آن‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. پژوهش حاضر بر اساس روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** تروریسم تکفیری، فضای بین‌المللی، عوامل ذهنی، عوامل عینی.

۱. کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

mohammad\_mirabdoli@yahoo.com

۲. استادیار علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران reza.khorasanie@gmail.com

۳. استادیار علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران d\_zandi@sbu.ac.ir

## مقدمه

منطقه خاورمیانه در دهه‌های گذشته به‌طور عمده به سبب برخورداری از ویژگی‌ها و موقعیت ژئواکونومیک<sup>۱</sup> و ژئوپلیتیک<sup>۲</sup> منحصربه‌فرد خود در افکار عمومی تجسم می‌یافت، اما در چند سال اخیر یک ویژگی مهم دیگر (البته منفی) نیز به ویژگی‌های مذکور اضافه شده است و آن جولانگاه بودن برای فعالیت‌های تروریستی است که اغلب و در ظاهر به نام اسلام صورت می‌گیرند. با آغاز بیداری اسلامی در دهه دوم قرن ۲۱ میلادی که جرقه‌های نخستین آن در کشور تونس زده شد و به مرور زمان به دیگر کشورهای عربی نیز تسری پیدا کرد، امید می‌رفت که در کشورهای مرتجع عربی نیز نظام‌های مردم‌سالار جایگزین نظام‌های خودکامه و اقتدارگرا شوند، اما دیری نپایید که با ظهور گروه‌های کوچک و بزرگ رادیکال سلفی در کشورهای مهمی چون عراق و سوریه و به حاشیه بردن خواسته اصلی انقلابیون، این امیدها به یأس بدل گردید و به مرور زمان دامنه فعالیت تروریستی آن‌ها به دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه و حتی جهان نیز کشیده شد که از نتایج مصیبت‌بار آن می‌توان به نابودی و بی‌خانمانی مردم این کشورها، مسائل و مشکلات پناه‌جویان، مخدوش نمودن چهره اسلام، زیان‌های اقتصادی و به چالش کشیدن نظم و امنیت بین‌الملل اشاره نمود؛ بنابراین با توجه به بحران‌آفرینی و خطرات گروه‌های تندروی اسلامی که به‌طور عمده از آن‌ها تحت عنوان سلفیان تکفیری یاد می‌شود و امروزه با درنوردیدن مرزهای ملی تبدیل به یک معضل جهانی شده‌اند، پژوهش حاضر درصدد یافتن ریشه‌ها و عوامل مؤثر در فرامرزی شدن اقدامات گروه‌های سلفی - تکفیری است و آن را در قالب این پرسش که «چه عواملی موجب گسترش فعالیت‌های سلفیان تکفیری از سطوح ملی و منطقه‌ای به سطح بین‌المللی شده است؟» به بحث می‌گذارد و در راستای پاسخگویی به پرسش مذکور، چنین فرضیه‌ای را مطرح و دنبال می‌کند: «به نظر می‌رسد بخشی از بین‌المللی شدن اقدامات تروریسم تکفیری جنبه دینی و ایدئولوژیک (درونی - ذهنی) دارد

---

1 . Geoeconomic.  
2 . Geopolitic.

و بخش دیگری از آن ناشی از عوامل محیطی و بین‌المللی (بیرونی - عینی) است». در واقع در نوشتار حاضر تلاش شده است با عبور از نگاه‌های تک‌بعدی که تنها آموزه‌ها و مفاهیم اسلامی یا برعکس عوامل و عناصر خارج از دنیای اسلام را عامل اصلی گسترش فعالیت جریان‌های افراط‌گرای اسلامی می‌دانند، تأثیرات هر دو بُعد را مورد کاوش قرار داده و به صورت جامع‌تری مبحث بین‌المللی شدن گروه‌های سلفی - تکفیری را دنبال نماید؛ بنابراین پس از تعریف مفاهیم و ابتناء نظری پژوهش، طرح پیشینه و روش پژوهش، مباحث مربوط به عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر بین‌المللی شدن گروه‌های سلفی - تکفیری ذکر خواهند شد و در انتها نیز نتیجه‌گیری و راهکارهای مقابله با جریان تروریسم تکفیری ارائه خواهند گردید.

## ۱. تمهیدات مفهومی و ابتناء نظری

۱-۱. بنیادگرایی: کلمه بنیادگرایی<sup>۱</sup> به معنای شالوده، اساس و پایه است. معادل این واژه در زبان عربی، «الاصولیه» است که به معنای بازگشت به اصول و مبانی است (خسروی، ۱۳۸۵: ۱۲۳). واژه بنیادگرایی به معنای امروزی آن را در سال ۱۹۱۰ میلادی پروتستان‌های آمریکایی با نامیدن خود به‌عنوان «بنیادگرا»<sup>۲</sup> و در مخالفت با اصول مدرنیسم، بازگشت به اصولی از مسیحیت را مطرح کردند (غلامی، ۱۳۹۳: ۱۷). بنیادگرایی اسلامی جنبشی است که به ارزش‌های بنیادی اسلام باور دارد و سعادت کشورهای اسلامی را در بازگشت به آن ارزش‌های اصیل اسلامی می‌داند. از دید بنیادگرایان اسلامی، حفظ ظواهر شریعت، مطلوب نهایی است و این ظواهر شامل اجرای بی‌چون‌وچرای احکام فقهی و شرعی می‌شود. بنیادگرایان اسلامی خواستار بازگشت به اسلاف صالح صدر اسلام هستند؛ زیرا معتقدند آن‌ها به دلیل نزدیکی به عصر نبوت، فهم درستی از دین داشته‌اند (مبینی‌کشه و آجیلی، ۱۳۹۳: ۱۲۱). بنیادگرایی اگرچه محدود به یک مذهب یا دین خاص نبوده و طیف وسیعی از

---

1 . Fundamentum.  
2 . Fundamentals.

جریانات مذهبی در ادیان مختلف را شامل می‌شود، اما این جریانات بنیادگرا دارای ویژگی‌های مشترکی می‌باشند از جمله اعتقاد به قطعیت متون مقدس؛ تأکید بر بازگشت و تفسیر مجدد اصول و مبانی؛ تمایل به جهت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی؛ نقد و نفی سکولاریسم و اصول آن؛ سعادت بشر متضمن بهره‌مندی انسان از تعالیم اصیل و تعالی دینی است (خسروی، ۱۳۸۵: ۱۲۵).

۲-۱. **تروریسم:** واژه ترور<sup>۱</sup> از ریشه لاتین «Ters» به معنای ترس و وحشت است. در اصطلاح سیاسی ترور به کردار گروه‌های مبارزی که برای رسیدن به هدف‌های سیاسی خود دست به کارهای خشونت‌آمیز و هراس‌انگیز می‌زنند، گفته می‌شود (آشوری، ۱۳۷۳: ۹۸). بر این اساس تروریسم را می‌توان تهدید یا استفاده از خشونت، برای مقاصد سیاسی، از سوی افراد یا گروه‌هایی تعریف کرد که در غیر این صورت دارای هیچ‌گونه قدرت سیاسی رسمی نیستند. ریشه‌های تروریسم مذهبی اگرچه به سده اول میلادی بازمی‌گردد (صبوری، ۱۳۸۱: ۱۵۳-۱۵۲)، اما همواره فعالیت‌های آن به یک یا چند کشور با ایده ستمگرشی<sup>۲</sup> محدود بود (جمشیدی و طوسی، ۱۳۹۷: ۱۴۷) در حالی که تروریسم نوین مذهبی که مرکز فعالیت‌های خود را در خاورمیانه قرار داده است، اقدامات و اهداف خود را در گستره جهانی دنبال می‌کند و به این جهت با قتل سیاسی تفاوت دارد؛ زیرا هدف ترور اغلب جمعی است.

۳-۱. **گروه‌های سلفی-تکفیری:** گروه‌های سلفی-تکفیری از دو ویژگی مهم برخوردارند: یکی سلفی و دیگری تکفیری بودن. سلفیه که قدمتی به درازای تاریخ اسلام دارد، کسانی هستند که خود را از نظر تبعیت مطلق از قرآن و حدیث پیرو سلف صالح می‌دانند و سلف صالح نیز عبارت است از سه نسل اول مسلمانان، یعنی صحابه، تابعین و تابعین تابعین. تکفیر نیز در اصطلاح به معنای کافر دانستن کسی یا نسبت دادن کفر است که این مفهوم نیز از دوران خلفای راشدین وارد ادبیات اسلامی شد. بر این اساس، منظور از گروه‌های سلفی-تکفیری، گروه‌هایی است که از یک سو معتقد به بازگشت به آرمان‌های

---

1. Terror.

2. Tyrannicide.

اسلام اولیه و صحابه هستند و از سوی دیگر با در دست داشتن سلاح تکفیر، به اعمال خشونت بر ضد غیرمسلمانان و حتی مسلمانانی که هم‌عقیده با آن‌ها نیستند، می‌پردازند. در حقیقت، تکفیری‌ها پیروان تمام ادیان و مذاهب از جمله همه مسلمانان به‌ویژه شیعیان را غیرخودی، کافر و مهدورالدم دانسته و خون آن‌ها را حلال می‌دانند (میرعبدلی و خراسانی، ۱۳۹۸: ۳۴-۳۳). جریانات تکفیری معاصر به‌طور عمده بعد از فروپاشی خلافت عثمانی و به‌ویژه تحت تأثیر اندیشه‌های «سید قطب» رشد پیدا کردند.

۱-۴. بین‌المللی شدن تروریسم تکفیری: منظور از بین‌المللی شدن تروریسم تکفیری آن است که از یک طرف گروه‌های سلفی-تکفیری با عبور از مرزبندی‌های جغرافیایی میان کشورها، در نقاط مختلف جهان مبادرت به فعالیت‌های تروریستی و خرابکارانه می‌نمایند و از طرف دیگر اعضای آن‌ها را افراد متعلق به ملیت‌های مختلف تشکیل می‌دهند.

## ۲. پیشینه پژوهش

۱. کیوان حسینی و محمدی‌کیا (۱۳۹۶) در پژوهش خود تحت عنوان «جهاد و نظم بین‌الملل سلفیسم جهادی و تحول معنایی جهاد»، تلاش می‌کنند با بررسی مفهوم و ویژگی‌های جهاد در دوران معاصر که به دنبال تشکیل خلافت است و تفاوت‌های آن با مفهوم جهاد قبل از فروپاشی خلافت عثمانی، این مفهوم را به‌عنوان عامل تأثیرگذار در فرامرزی شدن گروه‌های جهادی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. ۲. آل غفور و صادقان (۱۳۹۴) در مقاله «مدرنیته، جهانی شدن و فراگیر شدن تروریسم پسامدرن» در یک تقسیم‌بندی، تروریسم را به سه دسته سنتی، مدرن و پسامدرن تقسیم می‌کنند و ضمن بیان ویژگی‌های هر یک از آن‌ها، عوامل اصلی بروز تروریسم مدرن و پسامدرن را دو پدیده مدرنیته و جهانی شدن معرفی می‌کنند. ۳. گوهری‌مقدم (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «جهانی شدن و تروریسم جدید: ارائه مدل مفهومی»، ضمن معرفی تروریسم جدید (تروریسم پسامدرن) و ویژگی‌های آن، تحولات ناشی از جوانب گوناگون جهانی شدن از جمله در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و فناوری را به‌عنوان مهم‌ترین عامل ایجاد و تروریسم جدید می‌داند. ۴. عباس‌زاده فتح‌آبادی (۱۳۸۷) در پژوهش خود به نام «تجاوز

نیروهای اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان و سر برآوردن القاعده»، حمله شوروی به افغانستان را به‌عنوان یکی از عوامل مهم در رادیکال شدن گروه‌های اسلام‌گرا و پیدایش جریانات افراط‌گرایی همچون القاعده و طالبان برمی‌شمارد. ۵. نصیری و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان «جایگاه تروریسم در سیاست و امنیت بین‌الملل» با بررسی گونه‌های جریان‌های تروریستی، معتقدند که پس از حملات ۱۱ سپتامبر و به علت فناوری اطلاعات، تروریسم حالت بین‌المللی پیدا کرده است در حالی که ابزارهای مبارزه با آن‌ها همچنان در سطح ملی دنبال می‌شود. ۶. هنسن و همکاران (۱۳۹۰) در اثر خود به نام «راهبردهای امنیتی و نظم جهانی آمریکایی: قدرت ازدست‌رفته» بر این باورند که فروپاشی شوروی موجب رشد گروه‌های افراطی اسلامی شد؛ زیرا با پایان یافتن جنگ سرد، آمریکا با تأکید بر ارزش‌هایی مثل اقتصاد آزاد، تجارت جهانی و لیبرال دموکراسی موجب خسارت‌های مادی و اجتماعی به گروه‌های رادیکال اسلامی شده و آن‌ها را به‌سوی موازنه سخت با جهان مدرن در هر مکان سوق داده است.

با بررسی پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه عوامل مؤثر در فرامرزی شدن گروه‌های سلفی-تکفیری، مشاهده می‌شود که هر یک از تحقیقات صورت‌گرفته، تنها به بررسی یک جنبه از زمینه‌های مؤثر در گسترش فعالیت‌های تروریسم تکفیری به سطح بین‌الملل پرداخته‌اند و به‌طور عمده بر عناصر خارجی و پدیده جهانی شدن متمرکز شده‌اند؛ اما پژوهش حاضر در تلاش است با بررسی هم‌زمان جنبه درونی (عناصر دینی) مربوط به گروه‌های سلفی-تکفیری و جنبه بیرونی عوامل تأثیرگذار بر رادیکال شدن گروه‌های تکفیری، علت بین‌المللی شدن فعالیت تروریسم تکفیری را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

### ۳. روش پژوهش

در پژوهش حاضر تلاش شده است با بهره‌گیری از شیوه جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت اسنادی و کتابخانه‌ای و استفاده از مقالات و سایت‌های اینترنتی، به روش

تحلیلی-توصیفی داده‌های لازم در راستای پاسخ‌گویی به پرسش اصلی پژوهش گردآوری و به‌صورت کیفی تجزیه و تحلیل گردند.

#### ۴. عوامل مؤثر در بین‌المللی شدن سلفیان تکفیری

##### ۴-۱. عوامل ذهنی (درونی)

از مهم‌ترین عوامل درونی (عوامل ذهنی) گروه‌های سلفی که زمینه‌ساز حرکت و جابه‌جایی آن‌ها در مناطق و کشورهای گوناگون می‌شود و ریشه در سنت‌های فکری سلفیت نیز دارند، می‌توان به مفاهیم و ارزش‌هایی چون جهاد، هجرت، مبارزه با شرک و بدعت، امر به معروف و دارالاسلام در راستای دال مرکزی «احیای خلافت» اشاره نمود که با بررسی این مفاهیم در اندیشه رهبران سلفی، مهم‌ترین این مفاهیم توضیح داده خواهند شد.

##### ۴-۱-۱. جهاد و احیای خلافت

در اسلام، جهاد به معنای جنگیدن در راه حق دانسته شده است و در وجه اسمی، به معنی جنگ دینی و غزوه مسلمانان با کافران به کار رفته است (معین، ۱۳۸۶: ۵۴۶). در تفکر بنیادگرایی، جهان محل نبرد دو جهان‌بینی ناسازگار بر سر عقاید است که در یک‌سو جهان‌بینی اسلامی خدامحور و در سوی دیگر نگرش اومانستی-سکولاریستی غربی که بر انسان و عقل تأکید می‌کند، قرار دارد. در واقع این نبرد، مبارزه اسلام با جاهلیت است (انصاری، ۱۳۹۲: ۱۰۹). البته در دوران خلافت قدیم که از قرن دوم هجری تا زمان سقوط عثمانیان را در برمی‌گیرد، فقهای اهل سنت کارکرد اصلی جهاد را در تثبیت و بسط خلافت می‌دانستند و جهاد را تابعی از امر و جوبی اقتدا به خلیفه و امیر مسلمانان تعریف می‌کردند؛ زیرا در دیدگاه سنتی اهل تسنن، در صورتی که حکومت اسلامی وجود داشته باشد، این وظیفه حاکم است که با مشورت علما جهاد کند (نصر، ۱۳۸۳: ۳۱۶)؛ اما در دوران معاصر که مربوط به زمان الغای خلافت عثمانی به بعد می‌شود (دوران غیاب خلافت)، قرائتی دیگر از امر جهاد از سوی علمای اهل سنت ارائه شد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: مودودی و سید قطب.

ابوالاعلی مودودی معتقد بود که مسلمانان برای رهایی از شرک غریبان (اومانیسیم) و تهاجم ناشی از آن، باید به تبعیت محض از متن نص (ظاهرگرایی) بپردازند و از این طریق از خود دفاع نمایند؛ زیرا یکی از مهم‌ترین علل زوال کشورهای اسلامی این است که مردم دیگر پیام قرآن را درک نمی‌کنند (کیوان‌حسینی و محمدی‌کیا، ۱۳۹۶: ۷۴). ویژگی دیگر رویکرد مودودی، جهان‌نگری وی بود. او معتقد بود که اسلام نظامی جامع، کامل و فراگیر است که ناظر بر تمام شئون زندگی بشر است و برای رفع نیازهای آن، پاسخ‌های لازم را دارد در حالی که در مقابل، تمدن جدید از همان آغاز همواره در تعارض با دین به‌سر می‌برد (مرشدی‌زاد و علوی‌پور، ۱۳۹۲: ۲۴۵). این ویژگی فراگیر و جهانی بودن اسلام نشانگر بی‌اهمیت بودن دیگر وابستگی‌ها، نظیر ملیت یا قومیت در نظام فکری مودودی و تلاش برای برپایی خلافت است. البته از نظر وی این خلافت متعلق به فرد، خاندان یا طبقه خاصی نیست (Mawdudi, 1967: 276). برداشت سید قطب نیز از مفهوم جهاد متفاوت از اندیشه‌های علمای اسلام در دوره میانه بود. از نظر وی مفهوم جهاد تنها به مواجهه با نیروهای خارج از مرزهای اسلام معطوف نبود، بلکه در مورد نحوه اداره جوامع اسلامی نیز به کار می‌رفت؛ زیرا جوامع اسلامی نیز همچون جوامع غربی و کمونیستی جزو جامعه جاهلی محسوب می‌شدند؛ بنابراین جهاد از نگاه سید قطب دارای دو بُعد بود؛ جهاد در درون مرزهای کشورهای اسلامی و جهاد در فضای خارج از مرزهای آنان (Binder, 1998: 181)؛ بنابراین سید قطب مسلمان واقعی را کسی می‌دانست که در راه اعتلای اسلام جهاد کند نه آنکه جهاد را به جنگ دفاعی و مبارزه با نفس محدود نماید (فاطمی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۳۷-۳۶). در ادامه بن‌لادن و اعضای گروه القاعده، ابومصعب الزرقاوی و گروه داعش با برداشت‌های رادیکال خود از مفهوم جهاد، مبارزه در درون کشورهای اسلامی و خارج از آن‌ها را با شیوه‌های بسیار افراط‌گرایانه و خشونت‌بار دنبال کردند.

بر این اساس، مبارزه جهادگرایان در سطح بین‌المللی، پس از فروپاشی آخرین خلافت مسلمانان، واکنشی است در برابر نظم بین‌الملل موجود که به‌صورت هژمونیک در قالب واحدهای دولت-ملت فراگیر شده است و در تضاد با اسلام سیاسی خلافت‌محور است.



از جمله افراد معتقد به این نظریه، بروس لارنس<sup>۱</sup> است که عنوان فرعی کتاب خود (مدافعان خدا) را «شورش بنیادگرایانه علیه دولت مدرن» برگزیده است. به همین علت سلفی‌های جهادی در عصر غیاب خلافت، جهاد را تنها ابزار مبارزه با نظم موجود می‌دانند. گفتمان معاصر خلافت با نفی هویت قومی و ملی، جهاد را برای احیای خلافت وظیفه هر مسلمان در هر نقطه از جهان می‌داند و در واقع معتقد است مسلمانان به جای تابع دولت-ملت بودن، باید خود را تابع خلافت جهانی بدانند؛ بنابراین جهاد در گفتمان خلافت معاصر، بیانگر تلاشی برای نیل به امری آرمانی از یک سو (احیای خلافت) و نبرد با امر عینی (هژمون شدن نظم بین‌الملل مدرن) از سوی دیگر است که با انجام اقدامات خشونت‌بار صورت می‌پذیرد و این در حالی است که در ساختار خلافت قدیم، جهاد تنها ابزاری جهت گسترش ساختار هژمونیک خلافت محسوب می‌شد (کیوان حسینی و محمدی‌کیا، ۱۳۹۶: ۸۲-۷۷).

#### ۴-۱-۲. مفاهیم جاهلیت و هجرت

مفهوم هجرت نزد سلفی‌های معاصر با مفهوم «جاهلیت» پیوند عمیقی دارد و در واقع هجرت معلول جاهلیت است. در دوره معاصر مفهوم جاهلیت به‌طور عمده با اندیشه سید قطب گره خورده است، اما شخصی که واژه جاهلیت را وارد دنیای مدرن کرد، کسی نبود جز مودودی. البته وی برخلاف سید قطب، هیچ‌گاه اصطلاح جامعه جاهلی را به جوامع اسلامی تسری نداد؛ بنابراین ریشه واژه جاهلیت به سید قطب بر نمی‌گردد، بلکه وی بیشتر از دیگران به جنبه‌های رادیکال آن پرداخت (Binder, 1998: 179). سید قطب با تقسیم جوامع به دو بخش دارالاسلام و دارالحرب، انسان‌های عصر خود را گرفتار در جاهلیت می‌داند. از نظر سید قطب جاهلیت امروزی حاکمیت را که تنها از آن خداوند است، به بشر واگذار کرده و عده‌ای از آن‌ها را معبود عده‌ای دیگر ساخته است. سید قطب در کتاب خود به نام «معالم فی الطریق» جامعه جاهلی را این‌گونه توصیف می‌نماید: «هر جامعه‌ای که اسلامی نباشد، جاهلی است؛ اگر بخواهیم تعریف دقیق‌تری ارائه دهیم، باید بگوییم که

---

1. Bruce Lawrence.

جامعه جاهلی، جامعه‌ای است که در ایمان، عقاید و قوانین آن چیزی به غیر خدا پرستش می‌شود؛ بنابراین همه جوامعی که در حال حاضر وجود دارند، در قلمرو جاهلیت قرار می‌گیرند» (سید قطب، ۱۹۷۹: ۹۲-۹۱). در واقع سید قطب با استفاده از واژه «شریعت» می‌گوید جامعه‌ای که شریعت در آن قانون نباشد مسلمان نیست، حتی اگر نماز بگزارند و روزه بگیرند و به حج بروند (موسوی، ۱۳۹۶: ۱۷۴)؛ بنابراین وی کشورهای اسلامی را که در آن سکولاریسم حاکم بوده و مردم فقط با زبان به خداوند اقرار می‌کنند و قوانین خودساخته را به اسم شریعت خداوند عرضه می‌نمایند، جزو جامعه جاهلی محسوب می‌کند (باغبان‌زاده، ۱۳۹۳: ۳۰) که تنها راه خروج از این جاهلیت، عمل کردن به فریضه جهاد و هجرت از دارالحرب به دارالاسلام جهت احیای خلافت اسلامی است. عبدالسلام فرج نیز در رساله «الفریضه الغائبه» بحث هجرت از «دارالکفر به دارالایمان» و جهاد را مطرح می‌کند. همچنین ایمن الظواهری رهبر القاعده، با نقل سخنان سید قطب، تمام جوامع امروزی را به دلیل اجرا نکردن شریعت خداوند جوامع جاهلی نامیده و کفر آنان را بالاترین کفر خوانده است و بر عقلا واجب دانسته که از آنان دوری (هجرت) کنند (محیطی، ۱۳۹۴: ۳۴-۳۳). تأثیر اندیشه‌های سید قطب در مورد جاهلیت و هجرت را به خوبی می‌توان در افراد و گروه‌های گوناگون اسلام‌گرا از جمله گروه تکفیر و الهجره (الجهنی، ۱۴۲۴: ۳۳۶-۳۳۵)، جهاد اسلامی و جماعت اسلامی (Shepard, 2003: 535) مشاهده نمود. از افراد دیگری نیز که در امر هجرت بسیار افراط کردند، می‌توان به محمد ناصرالدین البانی و فتوای معروف وی در مورد هجرت مردم فلسطین از وطن خود اشاره کرد (Al-Albani, 1994). سید قطب همچنین تأثیر مهمی در سازمان القاعده داشته است؛ به گونه‌ای که همان‌طور که سید قطب در کتاب «معالم فی الطريق» از پیش‌آهنگ، تحت عنوان پیام‌آور اسلام در سراسر جهان یاد می‌کند، بن‌لادن نیز در اعلامیه ۱۹۹۶ خود، القاعده را به‌منزله پیش‌آهنگ در نظر گرفته است (Zimmerman, 2002: 239-240). علاوه بر این، دیدگاه ضدیهودی اسامه بن‌لادن نیز متأثر از اندیشه‌های سید قطب بوده است (Zeidan, 2001: 37).

#### ۴-۲. عوامل عینی (بیرونی)

علاوه بر عوامل درونی، برخی از عوامل خارجی (عوامل عینی) نیز زمینه را برای نقل و انتقال راحت گروه‌های گوناگون سلفی در میان مرزهای کشورها فراهم نموده‌اند؛ از جمله گسترش و پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات، پیشرفت سیستم حمل و نقل جهانی، وجود دولت‌های ضعیف و شکست‌خورده، کم‌رنگ شدن اهمیت مرزها و نظام دولتی و ستفالیایی، پدیده جهانی شدن، آزار و محدودیت مسلمانان حاضر در کشورهای غیرمسلمان و حمله و تجاوز کشورهای غیرمسلمان به کشورهای مسلمان. در زیر به اهم این موارد پرداخته خواهد شد.

#### ۴-۲-۱. جهانی شدن

جهانی شدن، فرایند پیچیده‌ای است که تعریف واحدی در مورد آن وجود ندارد، بلکه افراد و مکاتب گوناگون، تعاریف متعددی را از این مفهوم ارائه داده‌اند. ملکوم واترز<sup>۱</sup> جهانی شدن را فرایندی می‌داند که در آن قیدوبندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده، از بین می‌رود و مردم به‌طور فزاینده از کاهش این قیدوبندها آگاه می‌شوند (واترز، ۱۳۷۹: ۴۵). آنتونی مک‌گرو<sup>۲</sup> نیز معتقد است در جهانی شدن، الگوی فعالیت‌های مختلف بشری به‌سوی فراقاره‌ای و بین منطقه‌ای شدن در حرکت است، همچنین جهانی شدن در تمام حوزه‌های زندگی مدرن در ابعاد مختلف، ظهور و بروز دارد و از این رو یک فرایند چندبُعدی است (قریب، ۱۳۸۰: ۵۷). یکی از وجوه مهم پدیده جهانی شدن، انقلاب فناوری و ارتباطات در عصر اینترنت است که دنیا را همانند یک دهکده جلوه می‌دهند.

امروزه تروریست‌ها از تکنولوژی‌ها و فناوری‌های نوین جهت برنامه‌ریزی، هماهنگی و اجرای اقدامات مرگبار خود بهره می‌برند. آن‌ها که دیگر از نظر جغرافیایی در قلمروی خاصی محدود نبوده و از نظر سیاسی یا مالی به کشور خاصی وابسته نیستند، برای پیش

1 . Malcolm Waters.

2 . Anthony Mc Grew.

بردن دستور کار خود بر توانایی‌های ارتباطاتی پیشرفته از جمله اینترنت تکیه می‌کنند (گوهری‌مقدم، ۱۳۹۰: ۱۹۹) و جهت جلوگیری از ردیابی خود، از ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی استفاده می‌کنند که می‌توانند آدرس‌های «IP» ناشناس ارائه دهند (Rand, 2005: 83). در واقع برخلاف سلفیه سنتی که در کشورهای خاورمیانه عربی، شبه‌قاره هند و جنوب آسیا فعال بود، سلفیه جدید در عرصه جهانی فعال‌تر شده است. گسترش انقلاب ارتباطات، پیدایش شبکه‌ها و جنبش‌های نوین اجتماعی موجب شده است نئوسلفی‌گری در جهان گسترش بی‌سابقه‌ای یابد. به سخن دیگر، نئوسلفیسم مجازی بی‌نیاز به یک مرکز سازمان‌دهی، به صورت شبکه‌ای از «امارت‌های اسلامی مجازی» فعال شده است (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۲۷۰). مهم‌ترین شبکه‌های اجتماعی که گروه‌های تروریستی و برخی گروه‌های رادیکال اسلامی از آن‌ها استفاده می‌کنند عبارت‌اند از: توییتر<sup>۱</sup>؛ یوتیوب<sup>۲</sup>؛ فیس‌بوک<sup>۳</sup>؛ اینستاگرام<sup>۴</sup>؛ کیک<sup>۵</sup>؛ آسک. افام<sup>۶</sup>؛ تامبلر<sup>۷</sup>؛ فلیکر<sup>۸</sup>؛ وی‌کی<sup>۹</sup>؛ ساوند کلاود<sup>۱۰</sup>؛ وایبر<sup>۱۱</sup>؛ واتس‌آپ<sup>۱۲</sup>؛ تلگرام<sup>۱۳</sup>؛ سیگنال<sup>۱۴</sup> و خلافت‌بوک<sup>۱۵</sup> (دهشیری و جوزانی‌کهن، ۱۳۹۴: ۴۵-۴۱). تروریسم و اینترنت به دو صورت به یکدیگر مرتبط هستند: اول اینکه اینترنت عرصه‌ای شده است برای آنکه افراد و گروه‌ها پیام‌های خشونت‌بار خود را منتشر نمایند و در عین پرداختن به جنگ روانی، با یکدیگر، پیروان و هواداران‌شان ارتباط برقرار کنند. دوم اینکه این افراد و گروه‌ها سعی کرده‌اند به

- 
- 1 . Twitter.
  - 2 . Youtube.
  - 3 . Facebook.
  - 4 . Instagram.
  - 5 . Kik.
  - 6 . Ask. FM.
  - 7 . Tumblr.
  - 8 . Flickr.
  - 9 . VK (VKontakte).com
  - 10 . Sound Cloud.
  - 11 . Viber.
  - 12 . Whats App.
  - 13 . Telegram.
  - 14 . Signal.
  - 15 . Caliphate Book.

شبکه‌های رایانه‌ای حمله نمایند (تروریسم سایبری). تروریست‌ها علاوه بر پایگاه‌های اینترنتی از تسهیلات بسیار دیگری در فضای مجازی مانند پست الکترونیک، اتاق‌های گفت‌وگوی اینترنتی، گروه‌های الکترونیک، محافل اینترنتی و تابلوهای اعلانات مجازی نیز بهره می‌برند. همچنین گروه‌های تروریستی با پخش پیام‌های متنی و تصویری در اینترنت تلاش می‌کنند با عملیات جنگ روانی این پیام تهدیدآمیز را به دولت‌های مختلف و شهروندان آن‌ها برسانند که برای ما اهمیتی ندارد که چه کسی را می‌کشیم و هیچ یک از شما مصون نیست (گوهری‌مقدم، ۱۳۹۰: ۲۰۱-۱۹۹). امروزه فضای سایبری باعث شده است تا آرشیو کاملی از خطابه‌ها و بیانیه‌های رهبران سلفی به زبان‌های مختلف به‌راحتی در دسترس مخاطبان به‌ویژه در مناطق آمریکا و اروپا قرار گیرند (نجف‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۱۵).

جنبه دیگر جهانی شدن که به رشد افراط‌گرایی کمک کرده است، ایجاد بحران هویت<sup>۱</sup> به‌ویژه هویت دینی است؛ زیرا جهانی شدن درصدد طرح هویت جدید و القای آن به ملت‌ها و عمومیت بخشیدن یا بنابه تعبیر گیدنز، «تعمیم‌سازی»<sup>۲</sup> چنین هویتی است. از نظر گیدنز در فرایند جهانی شدن، آموزه‌های تجدد عالم‌گیر و جهانی می‌شود که در این میان، عناصر و مؤلفه‌های جدید به‌عنوان تشخص و هویت که بر اساس باورهای لیبرالیستی غرب تعریف می‌شود، مطرح می‌گردد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۲)؛ اما این امر سبب می‌شود تا گروه‌ها و ملیت‌های مختلف از جمله بنیادگرایان مسلمان، در برابر جهانی شدن به مخالفت برخیزند (غلامی، ۱۳۹۳: ۶۲-۶۱). در واقع ترویج هویت فراگیر از سوی فرایند جهانی شدن باعث شکل‌گیری هویت مقاومت می‌شود. از نظر کاستلز<sup>۳</sup> این هویت به دست کنشگرانی ایجاد می‌شود که در شرایطی قرار دارند که از طرف منطق سلطه بی‌ارزش دانسته می‌شود یا داغ ننگ بر آن زده می‌شود؛ از جمله بنیادگرایان دینی که از طریق ساخت هویت «تدافعی» در قالب ایدئولوژی‌ها درصدد حذف مواردی برمی‌آیند که تا پیش از این تلاش داشتند آن‌ها را از بین ببرند؛ به عبارت دیگر رشد بنیادگرایی دینی را می‌توان به‌مثابه شروع حذف

- 
- 1 . Identity Crisis.
  - 2 . Generalization.
  - 3 . Manuel Castells.

حذف‌کنندگان به دست حذف‌شدگان نامید (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۶-۲۴). بر این اساس، گروه‌های بنیادگرا و رادیکال اسلامی، به‌ویژه آن‌هایی که پس از جنگ سرد به فعالیت پرداخته‌اند، اهداف و اقدامات خود را از سطوح محلی و ملی، به سطوح منطقه‌ای و جهانی گسترش داده‌اند.

#### ۴-۲-۲. پست‌مدرنیسم

از سوی دیگر، گروه‌های رادیکال اسلامی از دهه ۱۹۹۰ میلادی وارد مرحله پست‌مدرنیسم شده‌اند. لیوتار<sup>۱</sup> معتقد است پست‌مدرنیسم به دنبال منسوخ کردن فراروایت‌ها است و در مقابل، تلاش دارد فضا را برای به صحنه آمدن گفتمان‌های متنوع، گروه‌های به حاشیه رانده‌شده و به‌طور کلی «بروز تفاوت‌ها» مهیا کند (سیدمن، ۱۳۹۶: ۲۲۸-۲۲۵). با در نظر گرفتن اینکه گفتمان‌های «پسامدرن» و «بنیادگرایانه» از بسیاری جهات در قطب مخالف هم قرار می‌گیرند از جمله در زمینه‌های چندتبارگی در برابر خلوص، تفاوت در برابر همسانی و تحرک در برابر سکون، اما مشابهت‌هایی نیز میان این دو گفتمان وجود دارند. پسامدرنیست‌ها و موج اخیر بنیادگرایان، نه‌فقط در یک زمان واحد، بلکه در واکنش به شرایطی یکسان که طرد و مقابله با مدرنیته به‌عنوان ابزار هژمونی اروپایی-آمریکایی است، در قطب‌های مخالف سلسله‌مراتب جهانی و برحسب یک توزیع جغرافیایی فوق‌العاده و متناسب ظهور کرده‌اند؛ زیرا در نگاه بنیادگرایان، مدرنیسم یک فرایند سکولاریزاسیون بوده و مدرنیسم اسلامی نیز همیشه با هژمونی اروپایی-آمریکایی همانندی کرده و در مقابل آن سر فرود آورده است، بنابراین می‌بایست طرد شود؛ بنابراین رفتار و اعمال رادیکالیسم‌های اسلامی معاصر شاید پژواک ارزش‌ها و رفتارهای بنیادگرای دوره‌های پیشین باشد، اما در واقع در واکنش به نظم اجتماعی حاضر جهت‌دهی شده است (نگری و هارت، ۱۳۹۱: ۲۲۴-۲۱۹). به‌طور کلی می‌توان رادیکالیسم اسلامی را به سه مرحله عمده تقسیم‌بندی کرد: مرحله نخست این جریان از اواسط دهه ۱۹۳۰ میلادی با شکل‌گیری اخوان‌المسلمین شروع می‌شود و تا اواسط دهه ۱۹۵۰ میلادی ادامه می‌یابد. مرحله دوم از دهه ۱۹۶۰ میلادی با ظهور گروه‌های

1 . Jean-François Lyotard.

مسلح مصری نظیر «جماعت‌المسلمین» و «الجهاد» آغاز می‌شود و اوج آن دهه ۱۹۷۰ میلادی است. دوره سوم رادیکالیسم اسلامی نیز از دهه ۱۹۸۰ میلادی و با گروه‌هایی که به سرزمین افغانستان مهاجرت کردند آغاز می‌شود. مرحله اخیر رادیکالیسم اسلامی را می‌توان مرحله‌ای پسامدرن به شمار آورد. مؤلفه‌های مهمی که نشان‌دهنده پست‌مدرن بودن رادیکالیسم اسلامی در اواخر قرن بیستم است، عبارت‌اند از: ۱. عبور از سطح محلی به سطح جهانی در قالب مفهوم امت عالم‌گیر؛ ۲. عبور از نبرد متقارن (مانند ترور سران حکومت) به نامتقارن (مانند انجام عملیات‌های انتحاری یا فعالیت‌های سایبری)؛ ۳. سنجش‌ناپذیری: گسترده شدن حوزه فعالیت شبکه‌ای رادیکال‌های سلفی در سراسر جهان که یک مرکز خاص ندارند باعث شده است که این رادیکالیسم نوین، چندگانه، متکثر، بی‌مکان، چندزبانه، چندوجهی و مهارناپذیر باشد (نجف‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۱۸-۱۰۴)؛ ۴. انتخاب اهداف نامشخص و نامعلوم؛ ۵. استفاده از فناوری‌های نوین رسانه‌ای؛ ۶. برخورداری از توان نظامی بالا و نبرد با ارتش‌های رسمی؛ ۷. اشغال بخشی از سرزمین کشورهای عضو سازمان ملل مانند سوریه، عراق، نیجریه و...؛ ۸. توانایی بالای مالی از طرق گوناگون و ۹. حضور چشم‌گیر افراد تحصیل‌کرده و نه‌چندان فقیر در میان این گروه‌ها (آل‌غفور و صادقان، ۱۳۹۴: ۱۶۲-۱۵۸).

بنابراین پست‌مدرنیسم با اعتقاد به طرح گفتمان‌های مختلف و به صحنه آمدن افراد و گروه‌های مطرود، زمینه را برای گسترش گفتمان گروه‌های سلفی-تکفیری که اندیشه‌ها و هویت اعضای آن‌ها همواره به حاشیه رانده شده بودند، فراهم نموده است و به همین جهت در میان گروه‌های تکفیری افرادی با ملیت‌ها و هویت‌های گوناگون که گاهی مسلمان نیز نیستند، مشاهده می‌شود.

#### ۴-۲-۳. اقدامات کشورهای غیرمسلمان

مهم‌ترین اقدامات کشورهای غیرمسلمان که باعث برانگیخته شدن احساسات مسلمانان و گرایش برخی از آنان به گروه‌های رادیکال و افراطی اسلامی شده است را می‌توان در دو دسته کلی قرار داد:

۴-۲-۳-۱. تجاوز نظامی کشورهای غیرمسلمان به کشورهای مسلمان و دخالت در امور داخلی

آن‌ها

علاوه بر مفاهیم و اصطلاحات دینی که اسلام‌گرایان با تمسک به آن‌ها مبارزه با دشمنان و فعالیت‌های خود را به خارج از چارچوب سرزمینی خاص یک کشور گسترش دادند، اقدامات خارجی از سوی کشورهای غیرمسلمان بر ضد کشورهای مسلمان نیز نقش پررنگی در فراگیر شدن افراط‌گرایی و رادیکالیسم از سوی اسلام‌گرایان و فرامرزی شدن فعالیت‌های آنان ایفا نمودند. می‌توان سرآغاز این اقدامات را در دوران معاصر، حمله اتحاد جماهیر شوروی به کشور افغانستان قرار داد. با حمله نیروهای شوروی در ۲۴ دسامبر ۱۹۷۹ میلادی به خاک افغانستان، گروهی از اسلام‌گرایان این رخداد را به‌مثابه استیلای کفار روس بر مسلمانان قلمداد کردند و در صدد مبارزه با خدانابپرستان کمونیست و بیرون راندن آنان از افغانستان برآمدند. در این برهه تاریخی، دیگر کشورها از جمله عربستان سعودی، پاکستان و مصر نیز برای تأمین منافع خود و مبارزه با دشمن مشترک به حمایت از جهادی‌های مبارز پرداختند (Shavit, 2006: 6; Gerges, 2005: 81-82)؛ اما در رأس همه این کشورها، آمریکا بیشترین حمایت را از مجاهدین افغان به عمل آورد؛ زیرا به‌عنوان ابرقدرت بلوک غرب، خواهان توقف پیشروی‌های کمونیسم بود. مجموعه این عوامل باعث شدند که تعدادی از اعراب مسلمان برای مقابله با شوروی و پس از طی مراحل آموزشی در پاکستان، به افغانستان هجرت نمایند و به این ترتیب گروهی به نام «عرب-افغان‌ها» یا «افغان العرب» پدید آمد که شمار آن‌ها به بیش از ۳۰ هزار نفر می‌رسید (پولی و دوران، ۱۳۸۰: ۴۴-۴۳).

تا این هنگام دیده نشده بود که این همه مسلمان از سرزمین‌های گوناگون به یک کشور مسلمان بروند و با دشمن مشترک بجنگند. در میان مسلمانانی که به افغانستان می‌رفتند، افرادی از مصر، عربستان، یمن، الجزایر، فلسطین، سودان، عراق، کویت، اردن، ترکیه، سوریه، لیبی، تونس، مراکش، لبنان، پاکستان، هند، اندونزی و مالزی دیده می‌شدند (عباس‌زاده فتح‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۷).



از چهره‌های سرشناس حاضر در میان عرب-افغان‌ها می‌توان به اشخاصی چون عبدالله یوسف عزام<sup>۱</sup>، اسامه بن‌لادن و ایمن الظواهری اشاره نمود.

پس از اتمام جنگ در افغانستان و خروج آخرین نیروهای شوروی از این کشور در سال ۱۹۸۹ میلادی، جهادی‌هایی که به افغانستان سرازیر شده بودند، برخی در افغانستان مانده و جذب گروه‌هایی همچون القاعده شدند و برخی دیگر نیز به کشورهايشان بازگشتند؛ اما طولی نکشید که ظلم بر ضد مسلمانان بار دیگر گروه‌های جهادی را وادار به هجرت برای کمک به مسلمانان ستم‌دیده نمود. البته این بار جغرافیای مبارزه تغییر یافته و به جای آسیا، در اروپا و منطقه بالکان آتش جنگ بر ضد مسلمانان توسط صرب‌ها در سال ۱۹۹۲ میلادی شعله‌ور گشته بود (سازمند، ۱۳۹۰: ۱۷۷). در این زمان بن‌لادن که سازمان القاعده را با هدف گسترش فعالیت‌های جهادی در سراسر جهان برای رهایی مسلمانان تحت ستم در هر نقطه از دنیا بنیان گذاشته بود (Gunaratna, 2002: 56)، اعضای القاعده و دیگر سلفیان جهادی را دعوت به هجرت به آن سرزمین نمود (اسماعیل، ۱۳۹۱: ۸۶). به این ترتیب حدود ۷۰۰-۴۰۰ داوطلب مسلمان از برخی از کشورهای اسلامی که در ترکیه عضوگیری شده بودند، از آنجا به بوسنی وهرزگوین اعزام گردیدند (آقارزی، ۱۳۷۳: ۲۴). حضور نیروهای رادیکال اسلامی در بوسنی باعث شد بعد از پایان جنگ در سال ۱۹۹۵ میلادی طی معاهده صلح «دیتون»، تعدادی از مسلمانان بوسنی که در اصل خود معتدل هستند به دلیل فعالیت گروه‌های افراطی جذب آن‌ها شده و به گروه‌های وهابی بپیوندند و حتی امروزه برخی از آنان به داعش ملحق شده‌اند؛ در حالی که تا قبل از جنگ داخلی بوسنی وهابیت هیچ جایگاهی در جامعه بوسنی نداشت. مشابه همین وضعیت در صربستان و مقدونیه نیز مشاهده شده است.<sup>۲</sup>

پس از نبرد بوسنی، گروه‌های رادیکال اسلامی به‌ویژه گروه‌هایی که با القاعده بیعت کرده بودند، اقدامات خود را در راستای مبارزه با دولت‌های متبوع خود از جمله در

---

۱. وی در سال ۱۹۸۴ میلادی در پیشاور سازمانی با عنوان «مکتبه‌الخدمه» را جهت آموزش داوطلبان حضور در افغانستان ایجاد کرد که در ادامه پایه‌های القاعده بر روی این سازمان بنا نهاده شد (Laqueur, 2004: 422).

2. [www.alwaght.com/1394/04/08](http://www.alwaght.com/1394/04/08).

عربستان، مصر، الجزایر، ازبکستان، روسیه، چین، فیلیپین، تاجیکستان و... ادامه دادند(آشکار، ۱۳۸۴: ۳۸) که عمدتاً ناموفق بودند. با پایان جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق، القاعده دشمن اصلی خود را آمریکا تعریف کرد؛ زیرا معتقد بود که علت شکست‌ناپذیری دشمن نزدیک (دولت‌های حاکم بر جوامع اسلامی)، به علت پشتیبانی دشمن دور (آمریکا) است؛ بنابراین می‌بایست ابتدا به نبرد با دشمن دور پرداخت. همچنین وقوع جنگ دوم خلیج فارس در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی و دخالت آمریکا در این جنگ که از یک‌سو به سرکوب نیروهای عراقی انجامید و از سوی دیگر باعث حضور نیروهای غیرمسلمان در کشورهای اسلامی جنوبی حاشیه خلیج فارس به‌ویژه عربستان (سرزمین حرمین شریفین) شد، خشم القاعده را بر ضد آمریکا (صلیبیون) برانگیخت که نتیجه آن حملات متعدد القاعده بر ضد مواضع آمریکا در دهه ۱۹۹۰ میلادی بود (آشکار، ۱۳۸۴: ۷۱) و از آگوست ۱۹۹۶ میلادی با انتشار اعلامیه بن‌لادن مبنی بر «نبرد علیه آمریکا که سرزمین دو مکان مقدس را اشغال کرده است» و در پی انتشار دومین اعلامیه بن‌لادن در سال ۱۹۹۸ میلادی تحت عنوان «جبهه جهانی برای جهاد با یهودیان و صلیبیون»، این حملات شدت یافت(بخشی‌شیخ‌احمد، ۱۳۸۵: ۱۸۲). در همین راستا و در اوایل قرن ۲۱ میلادی، القاعده مرگبارترین حمله خود را بر ضد آمریکا انجام داد و با بر عهده گرفتن مسئولیت حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، تحولات و دگرگونی‌های بسیار بزرگی را در ادامه رقم زد.

پس از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر، آمریکا جهت انتقام و نابودی القاعده که پایگاه‌های خود را در افغانستان متمرکز کرده و از حمایت دولت طالبان (امارت اسلامی افغانستان) برخوردار بود در ۷ اکتبر ۲۰۰۱ میلادی به افغانستان حمله و زیرساخت‌های القاعده و طالبان را ساقط نمود. پس از جنگ افغانستان، جورج دبلیو بوش رئیس‌جمهور آمریکا در کنگره این کشور در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۰۲ میلادی، سه کشور ایران، عراق و کره شمالی را «محور اهریمنی»<sup>۱</sup> و حامی تروریسم نامید که آمریکا می‌بایست پیش از حمله تروریستی آن‌ها، با حمله «پیش‌دستانه»، دشمن را غافلگیر نماید. در همین راستا دولت آمریکا در ۲۱

مارس ۲۰۰۳ میلادی در سایه شعارهایی مانند مبارزه با تروریسم، برقراری صلح جهانی، اعطای دموکراسی و آزادی با همراهی ۴۸ کشور دیگر و در قالب «ائتلاف اراده‌ها» و بدون کسب اجازه سازمان ملل، به عراق حمله کرد. این جنگ در ۱ مه ۲۰۰۳ میلادی با سقوط بغداد به پایان رسید (سازمند، ۱۳۹۰: ۱۹۵-۱۹۲) اما تبعات ناشی از آن سال‌ها ادامه یافت. با حمله نیروهای آمریکایی به عراق، بار دیگر گروه‌های جهادی برای مبارزه با اشغالگرانی که به سرزمین اسلامی هجوم برده‌اند، خود را مهیای حضور در این کشور نمودند. اشغال عراق توسط آمریکا باعث بسیج سنی‌های مخالف شرایط جدید از جمله بعثی‌ها و سلفی‌ها و هجوم جهادی‌های خارجی به این کشور و سازمان‌دهی آن‌ها در قالب گروه‌های شورشی مختلف از جمله القاعده عراق گردید که در ادامه پایه‌های داعش بر آن بنیان نهاده شد؛ اما القاعده تنها یکی از گروه‌های شورشی عمده بود و گروه‌های متعدد دیگری نیز در کنار آن ظهور یافتند که از جمله این گروه‌ها می‌توان به ارتش مجاهدین عراق، ارتش اسلامی عراق، ارتش انصارالسنه، گردان‌های انقلاب ۱۹۲۰ و جبهه اسلامی مقاومت عراق اشاره کرد. به گفته مقامات نظامی آمریکا ۸۰ تا ۹۰ درصد بمب‌گذاری‌های انتحاری در عراق توسط القاعده صورت می‌گیرد که بسیاری از آن‌ها از سوی جنگجویان خارجی است. این جنگجویان اغلب از کشورهای عربی سنی منطقه مانند عربستان، اردن، سوریه، الجزایر و سایر کشورها وارد عراق می‌شوند (اسدی، ۱۳۸۸: ۲۳۷-۲۳۵).

آخرین مرحله جابه‌جایی و تحرک اسلام‌گرایان را می‌توان در وقوع بیداری اسلامی و به‌ویژه بحران سوریه مشاهده کرد. جریان بیداری اسلامی با خودسوزی یک دانشجو<sup>۱</sup> در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰ میلادی در تونس آغاز شد که به انقلاب «یاس» در تونس منجر گردید و به سرعت به سایر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا تسری یافت و دوازده کشور عربی را با چالش مواجه ساخت. در پی این تحولات حاکمان تونس، مصر، لیبی و یمن برکنار شدند و دیگر حاکمان در سایر کشورها نیز درگیر کشمکش‌هایی با مخالفان خود شدند (حاتمی، ۱۳۹۲: ۱۷۳). مهم‌ترین این کشورها سوریه بود که با توجه به موقعیت راهبردی

و ژئوپلیتیک خود و همچنین سطح درگیری بین مخالفان و دولت مرکزی، توجهات بین‌المللی را به سوی خود جلب کرده است. با آغاز اعتراضات و درگیری‌ها در سوریه در ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱ میلادی و دخالت برخی از کشورهای خارجی در این بحران که هر یک تلاش داشتند منافع خود را تأمین کنند، زمینه برای ظهور و گسترش گروه‌های مختلف سلفی-تکفیری فراهم گردید. مهم‌ترین این گروه‌ها داعش است که توانسته است با جذب افراد با ملیت‌های مختلف، یک گروه با ابعاد بین‌المللی را تشکیل دهد.

البته برخی از اندیشمندان چون مصطفی دانش نویسنده کتاب «سوءاستفاده از کلام خدا، بحران در دنیای اسلام» در مورد نقش عوامل خارجی بسیار افراط کرده‌اند و گروه‌های جهادی و رادیکال اسلامی را تنها ابزاری در دست ابرقدرت‌ها می‌دانند که از آن بر ضد رقیب خود استفاده می‌کنند (نبوی، ۱۳۹۲: ۷۷).

#### ۴-۲-۳-۲. اقدامات خشونت‌گرایانه بر ضد مسلمانان حاضر در کشورهای غیرمسلمان

بخش دیگری از اقدامات کشورهای غیرمسلمان که باعث شده‌اند سلفیان رادیکال در اکثر نقاط جهان رفتارهای خشونت‌بار از خود نشان دهند و رادیکالیسم را در سطح جهانی گسترش دهند، به مسائل اسلام‌هراسی، آزار و اذیت و اعمال تبعیض‌های ناروا بر ضد مسلمانان مربوط می‌شود.

غرب، بنیادگرایی اسلامی را مساوی با تروریسم می‌داند و برای مبارزه با اسلام و گروه‌های اسلامی، روش‌های مختلفی را در پیش گرفته است: از بُعد فرهنگی و فکری همواره تلاش شده است تصویری خشن، خشک و بی‌روح از اسلام‌گرایان ارائه شود که اوج آن را می‌توان از آغاز قرن جدید دانست؛ زیرا آغاز قرن ۲۱ هم‌زمان با واقعه ۱۱ سپتامبر بود. این واقعه و پیامدهای آن، ضدیت با اسلام و اسلام‌هراسی را در جهان غرب فراگیر ساخت. پس از وقوع این حادثه در سال ۲۰۰۱ میلادی، انفجار ایستگاه مرکز قطار مادرید در مارس ۲۰۰۴ میلادی و انفجار بمب در ایستگاه متروی لندن در سال ۲۰۰۵ میلادی، به سرعت به مسلمانان نسبت داده شد و نماد رفتار و فرهنگ مسلمانان معرفی

گردید (امینان، ۱۳۸۷: ۱۰۶). پس از وقوع این رخدادها، غرب با استفاده از وسایل تبلیغاتی و ارتباطی مختلف خود، اسلام‌گرایان را افرادی بی‌رحم و مخالف هرگونه نوآوری و خلاقیت معرفی کرده است. اکثر فیلم‌هایی که در رابطه با حرکت‌های اسلامی ساخته شده است، آن‌ها را چهره‌هایی خون‌خوار و قرون وسطایی معرفی کرده است که نهایت هنر آن‌ها قتل، غارت و ترور است (بحرانی، ۱۳۹۲: ۱۴۰-۱۳۹). در پیمایشی در سال ۲۰۰۴ میلادی که در انگلستان انجام گرفت، ۸۰ درصد مسلمانانی که با آن‌ها مصاحبه شد، ابراز کردند به دلیل دینشان مورد تبعیض واقع شده‌اند؛ حال آنکه این رقم در سال ۲۰۰۰ میلادی، ۴۵ درصد و در سال ۱۹۹۹ میلادی، ۳۵ درصد بود. دفاتر ضد تبعیض در هلند طی چند سال گذشته تعداد روزافزونی شکایت در خصوص آنچه «تبعیض نژادی دارای انگیزه‌های دینی» نامیده شده است، دریافت کرده‌اند و بیشتر شکایت‌کنندگان در سال ۲۰۰۳ میلادی به‌عنوان مسلمان یا به نیابت از مسلمانان ثبت‌نام کرده‌اند (مرشدی‌زاد و غفاری‌هشجین، ۱۳۸۶: ۱۳۴-۱۳۳). در ایالات متحده نیز پلیس فدرال آمریکا<sup>۱</sup> رشد خشونت بر ضد مسلمانان را پس از واقعه ۱۱ سپتامبر بسیار چشم‌گیر می‌داند.<sup>۲</sup>

البته این اقدامات تنها جنبه فرهنگی را در بر نمی‌گیرد و شیوه اسلام‌ستیزی به طرح مسائل کلامی و عقیدتی نیز کشیده شده است؛ از جمله طرح مسئله تضاد قرآن با علوم امروزی (سبحانی، ۱۳۸۸: ۷-۶). بُعد دیگر برخورد غرب با اسلام‌گرایان، شامل اقدامات پلیسی-نظامی می‌شود که این شیوه خود به دو صورت اجرایی شده است: یکی سرکوب اسلام‌گرایان مستقر در کشورهای غربی مانند فرانسه، انگلستان و آمریکا به بهانه‌های مختلفی همچون انجام اقدامات تروریستی و نقض حقوق بشر، دموکراسی و سکولاریسم (بحرانی، ۱۳۹۲: ۱۴۳). به همین علت بخشی از جذب‌شده به داعش را شهروندان غربی که به‌خاطر هویتشان تحت فشار اجتماعی قرار دارند تشکیل می‌دهند. به گزارش سوفان گروپ داعش به‌عنوان مظهر تکفیریسم تا ژوئن ۲۰۱۴ میلادی با جذب نیرو از بیش

1. FBI.

2. www.boiseweekly.com.

از ۸۱ کشور جهان، بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین شبکه تروریستی در تاریخ بشریت را ایجاد نموده است (کسرابی و داوری مقدم، ۱۳۹۴: ۲۰۷-۲۰۴). البته برخی از کشورهای غیرغربی مانند ترکیه (در قرن بیستم) و تاجیکستان نیز این شیوه محدودسازی اسلام‌گرایان را دنبال کرده‌اند. شیوه دوم نیز تقویت و حمایت سیاسی - نظامی برخی کشورهای غیرمسلمان از حکومت‌های نظامی و خودکامه در کشورهای خاورمیانه است که با گروه‌های اسلام‌گرا و بنیادگرایی اسلامی سروکار دارند (بحرانی، ۱۳۹۲: ۱۴۳). این اقدامات باعث شد تا یکی از خواسته‌های اصلی مردم در جریان بیداری اسلامی که از سال ۲۰۱۱ میلادی آغاز شد، انجام آزادانه مراسم‌های مذهبی، رعایت حقوق شهروندی و سرنگونی حکومت‌های وابسته به غرب باشد (ابراهیمی و ستوده، ۱۳۹۲: ۱۸۹-۱۸۷).

#### ۴-۲-۴. وجود دولت‌های ضعیف یا شکست‌خورده<sup>۱</sup>

یکی دیگر از عوامل مهم بیرونی که به گروه‌های مبارز تروریستی در هر نقطه از جهان امکان فعالیت جهت دستیابی به مطالبات خود را فراهم می‌نماید، وجود دولت‌های شکست‌خورده یا ضعیف است. مفهوم دولت شکست‌خورده در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی و با بررسی کشور سومالی برجسته شد (Call, 2008: 1492). پدیده دولت ضعیف به موقعیتی اشاره دارد که حکومت مرکزی قادر به کنترل نظم عمومی درون قلمرو خود نیست، نمی‌تواند به صورت مستحکم مرزهایش را کنترل نماید، نسبت به تداوم حیات خدمات یا نهادهای عمومی اعتمادی به حکومت نیست و در برابر چالش‌های داخلی که در خارج از چارچوب قانون اساسی هستند آسیب‌پذیر است (Newman, 2009: 422). بر این اساس، هنگامی که حکومت‌ها دیگر نتوانند کالاها و خدمات عمومی را تأمین نمایند، جلوه‌های شکنندگی پدیدار می‌شوند (Rotberg, 2002: 131). ماری کالدور در کتاب خود با عنوان «جنگ‌های جدید و قدیم» معتقد است دامنه فعالیت بازیگران جنگ‌های جدید که گروه‌های تروریستی هستند، محدود به مرزهای یک دولت نمی‌شود. این بازیگران

---

1 . Weak or Failed States.

ویژگی‌هایی از جمله داشتن ارتش چندملیتی، ایدئولوژی مذهبی یا قومی، وابسته بودن به غارت منابع، حمایت خارجی و اشباع رسانه‌ای دارند. با توجه به ناکامی دولت‌ها در برآوردن مطالبات در دوران جدید، این گروه‌ها با جذب مردمان مختلف از چند کشور می‌توانند چندین دولت را درگیر فعالیت‌های خود کنند و بر ضد دولت وارد جنگ شوند (Kaldor, 1999: 20-25). از این رو، جنگ تنها بین دو یا چند دولت نیست، بلکه بین یک یا چند بازیگر غیردولتی با یک یا چند دولت است.

با حمله آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ میلادی و سقوط دولت طالبان در این کشور و بار دیگر با حمله نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی و سقوط نظام بعث عراق و منحل شدن ارتش این کشور، یک نوع خلأ امنیتی در این کشورها پدیدار شد که زمینه را برای رشد گروه‌های سلفی و تروریستی به‌ویژه داعش در این کشورها مهیا کرد و این در حالی است که آمریکا در جنگ دوم خلیج فارس در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی، از بیم تجزیه و فروپاشی عراق، رژیم این کشور را سرنگون نکرد (راجز، ۱۳۸۴: ۲۲۴). در کشور سوریه نیز با آغاز ناآرامی‌ها در این کشور و حضور گروه‌های گوناگون تروریستی در آن، دولت کنترل بخش‌های بسیاری از مناطق را از دست داد و ناامنی و ترور در این کشور بروز و ظهور یافت. با شکل‌گیری دولت ضعیف در سوریه، حملات تروریستی نیز در این کشور افزایش یافت.<sup>۱</sup>

با بررسی آماری که در سال ۲۰۱۶ میلادی در مورد تعداد حملات تروریستی و رتبه کشورها در میزان ضعف و شکنندگی منتشر شده است، مشاهده می‌شود که در میان ده کشوری که در آن سال بیشترین حملات تروریستی را تجربه کرده‌اند، ۷۰ درصد از آن کشورها جزو چهارده کشور نخست در زمینه دولت‌های شکننده بوده‌اند و از آن ۳۰ درصد باقی‌مانده نیز ۲۰ درصدشان در سال ۲۰۱۶ میلادی نسبت به سال ۲۰۱۵ میلادی وضعیت شکنندگی بدتری داشته‌اند. در این مقایسه، در سال ۲۰۱۶ میلادی، رتبه کشورها از نظر شکنندگی به این صورت بوده است: سومالی اول، یمن چهارم، سوریه ششم، افغانستان

نهم، عراق یازدهم، نیجریه سیزدهم، پاکستان چهاردهم، فیلیپین پنجاه و چهارم، هند هفتادم و ترکیه هفتادونهم. در این میان ترکیه به نسبت سال ۲۰۱۵ میلادی ده رتبه و هند یک رتبه سقوط کرده بودند!

بنابراین یکی از عوامل شکل‌گیری و رشد گروه‌های سلفی-تکفیری در چند سال اخیر را می‌توان محصول ناتوانی دولت‌های فرومانده‌ای دانست که نتوانسته‌اند قدرت خود را بر تمام مناطق سرزمینی خود اعمال و مردم خود را تحت یک هویت ملی، یکپارچه کنند. این کشورها به‌طور جدی با مناقشات ناشی از فرقه‌گرایی، قوم‌گرایی و هویت‌یابی دینی مواجه هستند و این مناقشات داخلی، زمینه و شرایط مناسب را برای ظهور قدرت‌های محلی و منطقه‌ای نظیر داعش فراهم کرده است. ظهور این بازیگران را نیز نباید تنها به کشورهای نظیر سوریه و عراق منحصر کرد؛ بلکه خاورمیانه را می‌توان منطقه‌ای مستعد برای ظهور چنین بازیگرانی دانست و کشورهای چون لبنان، یمن، لیبی و افغانستان نمونه‌هایی از کشورهای هستند که گروه‌های غیردولتی توانسته‌اند در فرصت به‌دست‌آمده ناشی از کاهش قدرت دولت مرکزی، بر بخش‌هایی از این کشورها مسلط شوند (Gause, 2014).

## نتیجه‌گیری

پدیده تروریسم اگرچه دارای قدمت طولانی است، اما این پدیده در طول تاریخ و در دوره‌های مختلف آشکال گوناگونی را پشت سر گذاشته است و امروزه نیز در منطقه خاورمیانه و جهان اسلام به شکل تروریسم تکفیری ظهور پیدا کرده است که از یک‌سو به علت پیوند یافتن دو موضوع تروریسم و تکفیر به‌عنوان یک رویکرد مذهبی که قائل به اقدامات خشونت‌بار جهت دستیابی به اهداف خود می‌باشند و از سوی دیگر به علت محدود نماندن در چارچوب‌های مرزی یک کشور و به چالش کشیدن نظم و امنیت بین‌المللی، خطرناک‌تر از دیگر گونه‌های تروریسم در گذشته به نظر می‌رسد؛ بنابراین در پژوهش حاضر تلاش شد عواملی که بر فرامرزی شدن فعالیت‌های گروه‌های تکفیری



تأثیرگذار بوده‌اند مورد بررسی و واکاوی قرار گیرند. در همین راستا، عواملی که به بین‌المللی شدن جریانات سلفی-تکفیری کمک کرده‌اند، در دو بخش عوامل درونی که مربوط به مسائل و مفاهیم دینی گفتمان تکفیری‌ها همچون جهاد، احیای خلافت، جاهلیت و هجرت می‌شد و بخش عوامل بیرونی که مربوط به مسائل خارج از کنترل گروه‌های سلفی - تکفیری است یا به عبارت دیگر عواملی که گروه‌های تکفیری را به واکنش وادار می‌نمایند مانند جهانی شدن، پست‌مدرنیسم، اقدامات کشورهای غیرمسلمان بر ضد مسلمانان و وجود دولت‌های ضعیف و شکست‌خورده مورد بحث قرار گرفتند. اکنون با توجه به روشن شدن عوامل مؤثر در بین‌المللی شدن تروریسم تکفیری، تلاش می‌شود پیشنهادهایی در قالب ارائه راهکار در دو حوزه مربوط به عوامل ذهنی (قدرت نرم) و عینی (قدرت سخت و مسائل ساختاری) جهت مقابله با گروه‌های سلفی - تکفیری ارائه گردد:

۱) پیشگیری از تشکیل گروه‌های سلفی-تکفیری هزینه‌های کمتری در مقابل اقدامات واکنشی بر ضد آن‌ها دربردارد، بنابراین منطقی‌تر آن است که تمرکز راهبردهای ضدتروریستی به‌طور عمده بر اقدامات پیشگیرانه متمرکز شود. ۲) در مقابله با گروه‌های تکفیری نباید تنها بر بُعد نظامی آن‌ها متمرکز شد، بلکه می‌بایست دیگر ابعاد آن‌ها از جمله ژئوپلیتیک، اقتصادی و رسانه‌ای نیز مورد توجه قرار گیرند. ۳) اجماع اعضای جامعه بین‌المللی بر روی تعریفی واحد و مشخص از تروریسم جهت مقابله با پدیده تروریسم تکفیری. ۴) اگرچه در نهادهای بین‌المللی قوانین و مقرراتی بر ضد اقدامات تروریستی وجود دارد، اما پیچیدگی‌های جهان امروز و اقدامات نوین تروریستی همچون تروریسم سایبری نیازمند تدوین قوانینی جدید برای برخورد با اقدامات تروریستی و تعیین مرجع رسیدگی‌کننده به این اقدامات با اختیارات لازم و ضمانت اجرایی قوی است. ۵) در کنار بخش نظامی، می‌بایست از طریق قدرت نرم و مباحث فرهنگی نیز به مقابله با جریانات تکفیری پرداخت؛ از جمله برگزاری همایش‌ها، سمینارها و جلسات علمی با حضور علمای برجسته جهان اسلام؛ انتشار مقالات، کتب و نشریات علمی - فرهنگی در راستای تبیین ماهیت باطل افکار گروه‌های تکفیری و لزوم تقریب مذاهب جهت اجماع‌سازی در امت

اسلامی بر ضد پدیده تکفیر و گفت‌وگو با سلفیان معتدل و میانه‌رو و استفاده از ظرفیت آن‌ها در جهت مهار جریان‌های رادیکال سلفی. ۶) یکی از راه‌هایی که سلفیان تکفیری تلاش می‌کنند با استفاده از آن به قدرت‌نمایی بپردازند، بهره‌گیری از ابزار رسانه است؛ بنابراین می‌بایست در زمینه رسانه‌ای نیز تمهیداتی بر ضد قدرت رسانه‌ای تروریسم تکفیری اندیشیده شود. ۷) بهره‌گیری از روش ائمه اطهار (ع) در مقابله با جریان تکفیر به‌ویژه امام علی (ع) که خود با تکفیر از سوی خوارج مواجه شدند، اما تا لحظه نبرد از اقدامات فرهنگی و نصیحت آنان دست برنداشتند و از روش‌هایی چون ایجاد شکاف و رخنه در صفوف خوارج، تهدید و هشدار و شک‌زدایی از سپاهیان خود و افشای باطن گروه خوارج که تظاهر به اسلام می‌کرد، بهره می‌بردند و در عین حال نیز به لحاظ نظامی همواره آماده نبرد بودند. ۸) اعطای کمک‌های همه‌جانبه اقتصادی و مالی زیر نظر قوانین و سازمان‌های بین‌المللی به کشورهایی که در وضعیت ضعف و ورشکستگی قرار دارند و ۹) جلوگیری از دستیابی گروه‌های سلفی - تکفیری به منابع مالی مختلف.

## فهرست منابع و مآخذ

### الف. منابع فارسی و عربی

- آشکار، ژیلبر (۱۳۸۴)، جدال دو توحش: ۱۱ سپتامبر و ایجاد بی‌نظمی نوین جهانی، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: اختران.
- آشوری، داریوش (۱۳۷۳)، دانشنامه سیاسی، تهران: مروارید.
- آقارضی، رضا (۱۳۷۳)، «استعداد نیروهای درگیر در بوسنی و هرزگوین»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۳ و ۴، صص ۲۹-۱۵.
- آل غفور، محسن و صادقیان، رضا (۱۳۹۴)، «مدرنیته، جهانی شدن و فراگیر شدن تروریسم پسامدرن»، فصلنامه سپهر سیاست، سال ۲، شماره ۳، صص ۱۶۶-۱۳۹.
- ابراهیمی، شهروز و ستوده، علی‌اصغر (۱۳۹۲)، «امکان‌سنجی الگودهی انقلاب اسلامی ایران به جنبش‌ها» در: دایره‌المعارف جنبش‌های اسلامی به اهتمام محمدرضا حاتمی و مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۲)، نوسلفی‌گری و جهانی شدن امنیت در خاورمیانه، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۸۸)، «ظهور و افول القاعده در عراق»، فصلنامه راهبرد، سال ۱۸، شماره ۵۱، صص ۲۴۸-۲۳۳.
- اسماعیل، محمود (۱۳۹۱)، سلفی‌ها، ترجمه حسن خاکرند و حجت‌الله جودکی، تهران: الهدی.
- امینیان، بهادر (۱۳۸۷)، «اسلام‌ستیزی در غرب: دلایل و ویژگی‌ها»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۲، شماره ۱، صص ۱۲۱-۱۰۵.
- انصاری، منصور (۱۳۹۲)، «پیدایش و گسترش اسلام سیاسی؛ تحلیل گفتمانی متن‌گرا» در: دایره‌المعارف جنبش‌های اسلامی به اهتمام محمدرضا حاتمی و مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- باغبان‌زاده، محمدرضا (۱۳۹۳)، «جهاد در اندیشه سید قطب» پژوهش‌نامه نقد و هابیت، سراج منیر، سال ۴، شماره ۱۵، صص ۴۹-۲۷.
- بحرانی، مرتضی (۱۳۹۲)، «جنبش‌های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران» در: دایره‌المعارف جنبش‌های اسلامی به اهتمام محمدرضا حاتمی و مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

- بخشی شیخ‌احمد، مهدی (۱۳۸۵)، «جهاد؛ از ابن‌تیمیه تا بن‌لادن»، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۹، شماره ۳۴، صص ۱۹۳-۱۶۹.
- پولی، میثائل و دوران، خالد (۱۳۸۰)، بن‌لادن کیست؟ ترجمه مهشید میرمعزی، تهران: روزنه.
- الجهنی، مانع بن حماد (۱۴۲۴)، الموسوعه المیسره فی الادیان و المذاهب و الاحزاب المعاصره، ریاض.
- حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۲)، «امواج بیداری اسلامی» در: دایره‌المعارف جنبش‌های اسلامی به اهتمام محمدرضا حاتمی و مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- جمشیدی، محمدحسین و طوسی، کوثر (۱۳۹۷)، «تبیین رابطه جهاد و تروریسم در اسلام سیاسی (از منظر امامیه و تکفیری‌ها)»، دو فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۷۰-۱۴۳.
- خسروی، غلامرضا (۱۳۸۵)، «درآمدی بر بنیادگرایی اسلامی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۹، شماره ۱، صص ۱۴۳-۱۲۱.
- دهشیری، محمدرضا و جوزانی‌کهن، شاهین (۱۳۹۴)، «شبکه سلول‌های تروریستی داعش در آسیای مرکزی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۲، صص ۶۳-۲۹.
- راجرز، پال (۱۳۸۴)، زوال کنترل: امنیت جهانی در قرن ۲۱، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی و مژگان جبلی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سازمند، بهاره (۱۳۹۰)، سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۸)، «اسلام‌ستیزی به صورت نوین»، فصلنامه کلام اسلامی، سال ۱۸، شماره ۶۹، صص ۱۲-۶.
- سید قطب (۱۹۷۹)، معالم فی الطریق، بیروت: دارالشروق.
- سیدمن، استیون (۱۳۹۶)، کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- صبوری، منوچهر (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: سخن.
- عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی (۱۳۸۷)، «تجاوز نیروهای اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان و سر برآوردن القاعده»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۵۷ و ۲۵۸، صص ۲۹-۱۶.
- غلامی، نجف‌علی (۱۳۹۳)، بنیادگرایی، تهران: کانون اندیشه جوان.
- فاطمی‌نژاد، مجید (۱۳۹۲)، «برداشت‌های القاعده از افکار جهادی سید قطب»، پژوهشنامه نقد و هابیت، سراج منیر، سال ۳، شماره ۱۲، صص ۵۱-۳۱.
- قریب، حسین (۱۳۸۰)، «جهانی شدن و چالش‌های امنیتی ایران»، فصلنامه سیاسی-اقتصادی، سال ۱۵، شماره ۱۲.

- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هویت)، جلد دوم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- کسرابی، محمدسالار و داوری‌مقدم، سعیده (۱۳۹۴)، «برآمدن داعش در خاورمیانه: تحلیل جامعه-شناختانه»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۷، شماره ۱، صص ۲۱۶-۱۹۱.
- کیوان‌حسینی، اصغر و محمدی‌کیا، طیبه (۱۳۹۶)، «جهاد و نظم بین‌الملل سلفیسم جهادی و تحول معنایی جهاد»، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۲۰، شماره ۷۸، صص ۸۷-۶۵.
- گوهری‌مقدم، ابوذر (۱۳۹۰)، «جهانی شدن و تروریسم جدید: ارائه مدل مفهومی»، فصلنامه دانش سیاسی، سال ۷، شماره ۱، صص ۲۰۶-۱۷۷.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- مبینی‌کشه، زهرا و آجیلی، هادی (۱۳۹۳)، «نقش داعش در شکل‌گیری معادلات جدید در خاورمیانه»، فصلنامه حبل‌المتین، سال ۳، شماره ۹، صص ۱۴۲-۱۱۹.
- محیطی، مرتضی (۱۳۹۴)، «خلاف‌ت از دیدگاه سلفیه جهادی»، پژوهشنامه نقد و هابیت، سراج منیر، سال ۵، شماره ۱۹، صص ۳۸-۲۱.
- مرشدی‌زاد، علی و علوی‌پور، محسن (۱۳۹۲)، «مودودی و سید قطب» در: دایره‌المعارف جنبش‌های اسلامی به اهتمام محمدرضا حاتمی و مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- مرشدی‌زاد، علی و غفاری‌هشجین، زاهد (۱۳۸۶)، «اسلام‌هراسی در اروپا؛ ریشه‌ها و عوامل»، فصلنامه دانش سیاسی، سال ۳، شماره ۲، صص ۱۴۰-۱۱۳.
- معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ معین، گردآوری عزیزالله عزیززاده، تهران: ادنا.
- موسوی، امیر (۱۳۹۶)، «نقدی بر دیدگاه‌های سید قطب درباره جاهلیت مسلمانان»، دو فصلنامه انسان‌پژوهی دینی، سال ۱۴، شماره ۳۷، صص ۱۸۱-۱۶۷.
- میرعبدلی، محمد و خراسانی، رضا (۱۳۹۸)، «آینده‌پژوهی جریان‌های سلفی-تکفیری در دوره پساداعش»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۹، شماره ۱، صص ۵۷-۲۹.
- نبوی، سید عبدالامیر (۱۳۹۲)، «ظهور و دگرگونی جریان‌های اسلام‌گرا» در: دایره‌المعارف جنبش‌های اسلامی به اهتمام محمدرضا حاتمی و مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- نجف‌زاده، رضا (۱۳۹۲)، «تحولات اسلام سیاسی رادیکال» در: دایره‌المعارف جنبش‌های اسلامی به اهتمام محمدرضا حاتمی و مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۳)، قلب اسلام، ترجمه مصطفی شهید آیینی، تهران: حقیقت.

- نگری، آنتونیو و هارت، مایکل (۱۳۹۱)، امپراتوری: تبارشناسی جهانی شدن، ترجمه رضا نجف‌زاده، تهران: قصیده‌سرا: آشیان.
- واترز، مالکوم (۱۳۷۹)، جهانی شدن، ترجمه اسماعیل گیوی و سیاوش مریدی، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.

### ب. منابع انگلیسی

- Al-Albani, Mohammed Nasir Al-Din (1994), *The Knowledge Of Current Affairs, Trans by Abu Talhah Dawud Ibn Ronald Burbank* Birmingham, UK: Jam'iatlyhaa' Minhaj Al-Sunnah.
- Binder, Leonard (1998); "*Islamic Liberalism: A Critique of Development Ideologies*", The University of Chicago Press.
- Call, Charles T. (2008); "*The Fallacy of the Failed State*", Third World Quarterly, Vol. 29, No. 8, pp.1491-1507.
- Gause, F. Ggregory (2014); "*ISIS and the New Middle East Cold War*", Retrieved from: <http://www.brookings.edu/blogs/iran-at-saban/posts/2014/08/25-isis-new-middle-east-cold-war>.
- Gerges, Fawaz A. (2005), *The Far Enemy: Why Jihad went Global?*, Britain: Cambridge University Press.
- Gunaratna, Rohan (2002), *Inside Al-Qaeda: Global Network Of Terror*, New York: Colombia University Press.
- Kaldor, Mary (1999), "*New and Old Wars*", Polity Press, Cambridge.
- Laqueur, Walter (2004), *Voices of Terror*, New York: Reed Press.
- Mawdudi, Abul Ala (1967), *Islamic law And Constitution*, Translated By Khorshid Ahmad, Lahore: Islamic Publication.
- Newman, Edward (2009); "*Failed States and International Order: Constructing a Post-Westphalian World*", Contemporary Security Policy, Vol.30, No.3 (December), pp.421-443.
- Rand Corporation (2005); "*Financing Terror An Analysis and Simulation for Affecting Al Qaeda's Financial Infrastructure*", pp 1-243.
- Rotberg, Robert I (2002), "*Failed States in a World of Terror*", Foreign Affairs, Vol. 81, No. 4, pp.127-140.
- Shavit, Uriya (2006); "*Al- Qaeda s Saudi Origins*", Middle East Quarterly, Vol. 13, No. 4, Fall.
- Shepard, William (2003); "*Sayyid Qutb's Doctrine of Jahiliyya*", International Journal of Middle East Studies, No.35, pp.521-545.
- Zeidan, David (2001); "*The Islamic Fundamentalist View Life as a Perennial Battle*", Middle East Review of International Affairs, No. 4, pp 26-53.
- Zimmerman, John C. (2002); "*Sayyd Qutb's Influence On The 11 September Attacks*" Terrorism And Political Violence, Vol.16, No.2, pp.152-222.